

خواهرزاده این زن در تهران محاکمه جنایی شد

جزئیات خیانت و جنایت زن فراری به کانادا



گروه حوادث: زن خیانتکار با سناریویی ماهرانه شوهرش را به قتل رساند و به کانادا گریخت.

تعقیب پلیس اینترپل است.

مرگ مرموز

اواخر سال ۹۲ مأموران پلیس پایتخت گزارشی از مرگ مرموز مرد ۳۵ ساله‌ای به نام رضا در یکی از بیمارستانهای شهر دریافت کردند که پزشکان لازم دیده بودند مأموران تحقیقاتی انجام دهند.

مرگ با قرص برنج

با انتقال جسد به پزشکی قانونی در بررسی‌های اولیه مشخص شد شب قبل زن جوانی همراه خواهرزاده‌اش، شوهرش را به خاطر مسمومیت دارویی به بیمارستان رسانده بود اما مرد جوان به خاطر شدت مسمومیت به کام مرگ فرو رفته بود.

این زن در بازجویی‌های اولیه از چگونگی مرگ شوهرش اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که با بر خوردن به وضعیت بد شوهرش او را با کمک

خواهرزاده خودش به بیمارستان رسانده‌اند.

تحقیقات ادامه داشت متخصصان پزشکی قانونی مشخص شد رضا به خاطر مصرف غیر عمدی قرص برنج کشته شده است.

فرار به کانادا

با این‌نظر به پزشکی قانونی ماجرای مرگ رضا وارد مرحله جنایی شد و تیمی از اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند و در اولین گام از تحقیقات کار آگاهان دریافتند که همسر آن مرد به نام مهتاب همراه دختر ۱۳ ساله‌اش به کشور کانادا متواری شده‌اند.

دستگیری خواهرزاده

وقتی فرصه قتل رضا قوت گرفت خواهرزاده همسر مقتول به نام کامران که شب حادثه همراه رضا و خاله اش به بیمارستان رفته بود

از کامل شدن تحقیقات به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

صبح دیروز متهم از زندان اعزام و مقابل هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی توکلی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم با پرداخت دیه اعلام گذشت کردند سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و خلاف اظهاراتش با انکار قتل گفت: «از اختلاف خاله‌ام با شوهرش باخبر بودم اما نمیدانستم شب حادثه، خاله‌ام آب پرتقال را مسموم به قرص برنج کرده است و قصد کشتن شوهرش را دارد من در این قتل هیچ نقشی نداشتم.»

بنابه این گزارش؛ در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد کشور قتل روانه زندان شد و پرونده بعد

بازداشت شد.

خیانت مهتاب

کامران در همان مراحل اولیه بازجویی به قتل شوهر خاله‌اش اعتراف کرد و گفت: «خاله‌ام با مرد غریبه‌های رابطه داشت. او وقتی فهمید شوهرش از این موضوع باخبر شده است از من خواست در قتل رضا او را کمک کنم. این گذشت تا اینکه شب حادثه طبق نقشه وقتی به خانه مقتول رفتم خاله‌ام مقداری قرص برنج در داخل آب پرتقال ریخت و به شوهرش خورد. رضا بعد از خوردن آمیوه حالش بد شد که بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم اما بی‌فایده بود.»

در حالیکه همسر مقتول به اتهام قتل شوهرش با وجود فرار به کانادا تحت تعقیب اینترپل قرار دارد، خواهرزاده وی به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شد و پرونده بعد

اخبار حوادث

۱۵ سال زندان برای نویسنده

شعبان صفت تهرانی

نویسنده‌ای که با اغفال دختران جوان از آنها سوء استفاده جنسی می‌کرد به اتهام تشویق به فساد و فحشا و تهدید به ۱۵ سال حبس محکوم شد و پرونده او به اتهام زانی به عنف در دادگاه انقلاب مفتوح است.

این متهم ۵۷ ساله با طرح این ادعا که نویسنده است و برای کتاب جدیدش به کار تحقیقی، نظرسنجی و مصاحبه نیاز دارد، به اغفال دختران جوان اقدام می‌کرد.

او با چرب‌زبانی و اغفال دختران به این بهانه که شما جوان و خوشفکر هستید و باید با شما مصاحبه کنم، با آنها قرار حضوری می‌گذاشت و بعد با این حرف‌ها مانند من جای پدر بزرگ شما هستم، آنها را اغفال و بعد در ارتباط پشوروی می‌کرد تا جایی که کار به ارتباط جنسی می‌رسید.

آن‌طور که باز پرس دهقانی پیشتر درباره این پرونده گفته: متهم در برخی از موارد نیز قربانیان خود را در اماکن عمومی بسیار خلوت مثل کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و در زمان‌هایی خاص که رفت‌وآمد در آنجا نبود است، مجبور به نوع خاصی از معاشرت جنسی می‌کرد. با توجه به بررسی‌های انجام شده بیشتر قربانیان دختران جوانی هستند که زیر ۲۵ سال دارند. البته نباید فراموش شود که این آقا واقعا نویسنده است و چند کتاب و نیز منتشر شده است. بر اساس گفته‌های دهقانی، «او به شیوه‌های مختلف روی ذهن قربانیان خود کار می‌کرد و پس از جلب اعتماد آنها به مرور اهداف بی‌شرمانه و غیر انسانی خود را که در زمینه سوء استفاده جنسی از این دختران بود، عملی می‌کرد. در مواردی هم که طعمه‌ها پس از بی‌بردن به اهداف شیطانی این مرد از ادامه رابطه با او خودداری می‌کردند، او با تهدید و ارباب‌وبیان اینکه فیلم‌هایی را که تهیه کرده است به خانواده‌های آنها نشان می‌دهد، آنها را مجبور به ادامه رابطه می‌کرد.

پرونده این متهم دو بخش دارد که یک بخش آن در دادگاه ارشد و بخش دیگر در دادگاه انقلاب رسیدگی شده است. این متهم در دادگاه ارشد محاکمه و بابت تشویق به فساد و فحشا به ۱۲ سال و ۶ ماه و بابت تهدید به دو سال ۶ ماه و مجموعاً به ۱۵ سال حبس محکوم شده است.

در دادگاه انقلاب نیز ماده چهار قانون سمعی و بصری به این متهم تفهیم و روز شنبه (۲۶ آبان) در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه آخرین جلسه محاکمه او برگزار شد و قاضی مقیسه پس از اخذ آخرین دفاع، ختم جلسه را اعلام کرد.

در ماده چهار قانون سمعی و بصری آمده است: «هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشا و انتشار آثار مزبور کند و از این طریق بساوی زنا کند به مجازات زانی به عنف محکوم می‌شود.»

جالب آنکه این متهم یک سابقه کیفری مانند همین پرونده نیز در شاهین شهر داشته و به سه سال حبس محکوم شده اما پس از گذراندن یکسال و نیم حبس، با رضایت شکات و آزادی مشروط از زندان آزاد شده است.

دستگیری دزدان بانک پاسارگاد تهران در ارمنستان

رکنا: مسئول خزانه شعبه مرکزی بانک پاسارگاد که به همراه چندین نفر دیگر اقدام به سرقت میلیاردی از خزانه این بانک کرده و متواری شده بود، دستگیر شد.

مأموران پلیس آگاهی پایتخت در پی شکایت واصله در خصوص سرقت از خزانه شعبه بانک پاسارگاد در بلوار میرداماد رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار داده و متوجه شدند که بالغ بر ۷ و نیم میلیارد تومان از اموال موجود در این خزانه به سرقت رفته است.

در ادامه تحقیقات مأموران مشخص شد که عامل اصلی و به عبارتی سر دسته این سرقت مسئول خزانه این بانک بوده که به همراه همسرش و سه نفر دیگر اقدام به سرقت کرده و پس از سرقت نیز به کشور ارمنستان متواری شده‌اند.

در ادامه موضوع به پلیس اینترپل منتقل شده و این متهم تحت تعقیب قرار گرفت که با همکاری اینترپل این فرد و همسرش در ارمنستان دستگیر شده و به کشور بازگردانده شدند.

سردار حسین رحیمی رئیس پلیس پایتخت با تأیید این خبر اظهار کرد: ۵ نفر از اعضای این باند همگی دستگیر شده و برایشان پرونده‌ای تشکیل و به دادسرا معرفی شدند.

رحیمی با بیان این که اموال نیز به خزانه بانک مذکور برگردانده شد، اظهار کرد: خوشبختانه همکاری خوبی میان پلیس ایران و اینترپل وجود داشته و این دستگیری نیز به واسطه همین اقدامات به سرعت و در مدت دو هفته انجام شد.



درمانی، درمان می‌کنم. **هر بیمار چقدر پول می‌دهد؟** من پول نمیگیرم. **پس هزینه‌های زندگی را چطور تامین می‌کنی؟** یک مغازه کبابی دارم. **چرا دستگیر شدی؟** نمی‌دانم، برای خودم هم سوال شده است. **شاکلی داری؟** نه، فکر نکنم چون همه تو محل زندگی ام مرا می‌شناسند و تا حالا بابت انرژی درمانی کسی به من اعتراضی نکرده است.

ناخواسته دزد شدیم حسین ۲۴ ساله سارق جوانی است که به ادعای خودش در ماجرای سرقت خودرو هیچ پولی به جیب‌زنه و ناخواسته در ماجرای سرقت به دوستش کمک کرده است.

- سابقه داری؟ نه.
- کی دستگیر شدی؟ اوایل همین هفته بود که دستگیر شدم.
- تحصیلات؟ سیکل.
- چقدر درس نخواندی؟ درس خوان نبودم و علاقه‌ای نداشتم.
- چقدر پول به دست آوردی؟ از ۳ تا گوشتی که سرقت کردم فقط ۵۰۰ تومان به دست آوردم.
- حرف آخر؟ پشیمانم و دیگر خلاف نمی‌کنم.

انرژی درمانی منصور ۶۲ ساله که یکی از مجرمان قدیمی تهران است که امروز در کار انرژی در درمان مشغول است و می‌گوید به خاطر علاقه‌ای که به ایران دارد به خارج از کشور نرفته است.

- سابقه داری؟ سال‌ها پیش که جوان بودم، یک آژانس مسافرتی داشتم و با جعل مدارک خیلی‌ها را به خارج از کشور فرستادم که در آخر فقط خودم دستگیر شدم.
- به کدام کشورها مسافر می‌فرستادی؟ انگلیس، فرانسه، ایتالیا، هر جا که می‌توانستم می‌فرستادم.
- چرا خودت مهاجرت نکردی؟ به کشورم علاقه دارم و هیچ کجا برای من بهتر از ایران نیست ولی خانواده‌ام را به خارج از کشور فرستادم.
- شغل؟ انرژی درمانی می‌کنم.
- بیمار هم داری؟ خیلی‌ها به سراغم می‌آیند و دردهای بدنشان را با انرژی

رییس پلیس از دستگیری ۱۸۴ مجرم خبر داد

جزئیات دسیسه میلیونی از داخل زندان

در همان سن ۱۵ سالگی با او ازدواج کرد اما حالا به خاطر فرزندانشان یکی از زندان حرفه‌ای شده است.

- سابقه داری؟ سابقه که نه ولی ۲ بار دستگیر شدم ولی خیلی زود آزاد شدم.
- به چه جرمی دستگیر شدی؟ گوشی قاچی.
- شغل؟ شغلم دزدی نیست من در سر چهارراه اهدا دست فروشی می‌کردم.
- از دواچ کردی؟ بله، ۴ سال قبل به دختر جوانی علاقه مند شدم و او از خواستگاری کرده و باهم ازدواج کردیم.
- شنیدم بچه هم داری؟ ۲ بچه دارم که یکی از آنها ۳ ساله و دیگری یک سالش است.
- چرا دزدی کردی؟ پول هزینه پوشاک بچه‌ام را نداشتم به همین خاطر دزدی کردم.
- تحصیلات؟ تالکلاس سوم ابتدایی درس خواندم.
- خانواده‌ات مخالف ازدواجت نبودند؟ تو خانواده‌ام از دواچ در سن پایین یک رسم است و کسی با این ازدواج مخالفت نکرد، البته خانواده‌ای هم نداشتم.
- خانواده‌ای نداری؟ نه، همه بدبختی من از وقتی شروع شد که پدر و مادرم از هم جدا شدند و من را به حال خودم رها کردند.
- چرا آنقدر زود ازدواج کردی؟ چون همسرم را دوست داشتم.
- شیوه و شگر دزدی‌ها بتان چطور بود؟ هیچی من و با یکی از دوستانم سوار بر موتور در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و در فرصتی مناسب دست به گوشی قاچی می‌زدیم.
- چه مدت دزدی کردی؟ یک ماه سرقت کردم و دیگر ادامه ندادم.
- چطور دستگیر شدی؟ با پسر دایی‌ام را دستگیر کرده بودند که او پس از دستگیری مرا هم لو داد.
- پشیمانی؟ من به همه کسانی که قصد دارند با دزدی هزینه زندگی‌شان را تامین کنند می‌گویم که دست به دزدی نزنند چون آخرش همه دستگیر می‌شوند و جز بدبختی هیچی گیرتان نمی‌آید.

- خانواده‌ات مخالف ازدواجت نبودند؟ تو خانواده‌ام از دواچ در سن پایین یک رسم است و کسی با این ازدواج مخالفت نکرد، البته خانواده‌ای هم نداشتم.
- خانواده‌ای نداری؟ نه، همه بدبختی من از وقتی شروع شد که پدر و مادرم از هم جدا شدند و من را به حال خودم رها کردند.
- چرا آنقدر زود ازدواج کردی؟ چون همسرم را دوست داشتم.
- شیوه و شگر دزدی‌ها بتان چطور بود؟ هیچی من و با یکی از دوستانم سوار بر موتور در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و در فرصتی مناسب دست به گوشی قاچی می‌زدیم.
- چه مدت دزدی کردی؟ یک ماه سرقت کردم و دیگر ادامه ندادم.
- چطور دستگیر شدی؟ با پسر دایی‌ام را دستگیر کرده بودند که او پس از دستگیری مرا هم لو داد.
- پشیمانی؟ من به همه کسانی که قصد دارند با دزدی هزینه زندگی‌شان را تامین کنند می‌گویم که دست به دزدی نزنند چون آخرش همه دستگیر می‌شوند و جز بدبختی هیچی گیرتان نمی‌آید.
- گروه حوادث: گروهی از زندان هدایت می‌شدند. جزئیات فعالیت این باند همزمان با دستگیری ۱۸۴ تبهکار حرفه‌ای توسط رییس پلیس تهران تشریح شد.
- کلاهبرداران تلفنی چندی قبل مأموران پلیس آگاهی تهران در جریان کلاهبرداری‌های تلفنی به بهانه برنده شدن در مسابقات تلفنی و رادیویی شدند و تیم ویژه‌ای از مأموران اداره ۱۴ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عاملان این فریبکاری وارد عمل شدند. کار آگاهان در گام نخست بی‌برند که ۷ جوان در شهرهای مختلف نقش پولشویی را در این باند دارند در ادامه مشخص شد متهم اصلی این باند از داخل زندان با طعمه‌هایشان تماس گرفته و آنها را به بهانه برنده شدن در مسابقات رادیویی و تلویزیونی آنها را پای دستگاه‌های عابریانک کشانده و با دادن کدهایی آن‌ها را با وسوسه کرده و این در حالی بود که طعمه‌هایشان پول هایشان را به حساب آنها واریز می‌کنند. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه مأموران در عملیات‌های مختلف ۷ پسر جوان که در این باندها پولشویی می‌کردند را شناسایی کردند و در اقدامی غافلگیرانه ۷ پسر جوان را که در شهرهای مختلف تهران دستگیر کردند.
- گفت و گو با متهم امیر ۳۵ ساله که اهل یکی از شهرهای شمالی کشور است ادعای کنداز روی بدبختی با این باندها همراهی کرده است.
- سابقه داری؟ نه.
- چطور با این باند آشنا شدی؟ از طرف مرد جوانی با فعالیت این باند آشنا شدم و پذیرفتم که همراهی‌شان کنم.
- چرا پولشویی؟ از روی بدبختی.
- بیکار بودی؟ نه، ولی با این حقوق‌های کم کاری نمی‌توان کرد و اگر شما هم بودی و در برابر این پول‌هایی که از این راه به حسابت می‌آمد و وسوسه می‌شدی و می‌پذیرفتی که پولشویی کنی.
- دیگر همدستانت را می‌شناسی؟ نه، هر کدام اهل یک شهر هستیم و هیچ کدام همدیگر را نمی‌شناختیم.
- متهمان اصلی را می‌شناسی؟ نه، این باند به صورت رابط‌های کار می‌کند و هیچ‌کسی را نمی‌شناسید و تنها پول‌ها را پس از بر داشت در اختیار بالاسری‌ها قرار می‌دادیم.
- روزی چقدر پول به حسابت واریز می‌شد؟ بین ۳ میلیون تا ۵ میلیون تومان.
- چقدر سهم شما بود؟ من روزی ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان برداشت می‌کردم.
- اگر کل پول را برداشت می‌کردی و به حساب بالا سری هانمی ریختی چه اتفاقی می‌افتاد؟ سود کمی به دست می‌آورد و اگر این کار را نمی‌کردم به سراغمان می‌آمدند.
- حرف آخر؟ من از روی بدبختی این کار را کردم و از همان اول هم می‌دانستم دستگیری می‌شوم ولی مجبور بودم و وسوسه شدم.
- دزد عاشق پیشه علی‌رضا ۱۹ ساله سارق جوانی که خیلی زود پای در دنیای اعتیاد گذاشته و به خاطر علاقه‌ای که به دختر جوان داشت